

# ویژگیهای تربیت اسلامی

قسمت ششم

حجة الاسلام رحیمیان

پس برخلاف مفهوم تربیت که مفهومی عام است و بدون تقیید آن به قیود، برای اطلاق در مورد شکوفائی شخصیت واقعی انسان ناروا است تزکیه و زکات برشد و نمو و شکوفائی استعدادهای معنوی انسان است که موجب غیر و برکت و سعادت دنیا و آخرت است و بهمین جهت در قرآن و سایر منابع اسلامی عموماً در مورد انسان و پرورش استعدادهای متعالی وی به جای «تربیت» از «تزکیه» تعبیر شده است.

## تزکیه عامل رستگاری

از نظر اسلام رستگاری انسان منوط است به تزکیه نفس. نقطه آغاز اینجا است و اولین قدم دریافتن، ساختن و آراستن درون است و از همین نقطه است پرواز به سوی خدا و جهش به سوی کمال.

«قد افلح من تزكى»<sup>۱</sup> «قد افلح من تزکیها»<sup>۲</sup>.

در قرآن هیچیک از امور مادی به عنوان عامل فلاح معرفی نشده است و در مقابل معنوی مانند ایمان، تقوی، کار خیر، جهاد، یاد خدا و... به عنوان عوامل رستگاری شناخته شده است و در یک کلام، انسان به علاوه ایمان و عمل صالح مساوی است با رستگاری و انسان منهای ایمان و عمل صالح مساوی است با خسران:

«ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و...»<sup>۳</sup> همانا انسان در خسران است مگر آنانکه ایمان آوردند و به کارهای شایسته روی آوردند.

و ایمان و عمل صالح جز با تزکیه نفس قابل دسترسی نیست و این سه همواره ملازم با یکدیگر و جدائی ناپذیرند و فقدان هر یک از آنها موجب از دست رفتن بقیه می شود و به همین دلیل در حالی که تزکیه نفس، عامل فلاح، معرفی شده است: «قد افلح من تزکیها»<sup>۴</sup> عدم تزکیه و انحلال و تحریف در شکوفائی استعدادهای نفس موجب خسران و عامل ناکامی انسان معرفی شده است: «وقد خاب من دسیها»<sup>۵</sup> و به تعبیر دیگر: «ان الخاسرین الذین خسرو انفسهم»<sup>۶</sup>.

همانا زیانکاران کسانی هستند که خویشان را باخته اند. زمینه های شخصیت انسانی خویش را تباه کرده اند.

و نتیجه آن که: «الذین خسرو انفسهم فهم لا یؤمنون».

کسانی که خویشان را باخته اند. و به فطرت خویش خسارت زده اند. آنها ایمان نمی آورند. و انسان منهای ایمان هرگز روی سعادت و رستگاری را نمی بیند: «ان الانسان لفي خسر الا...».

## تزکیه قولی یا تزکیه عملی؟

تزکیه مطلوب و مورد نظر، تزکیه عملی است بدین معنی که انسان کمر همت می بندد تا عملاً و حقیقتاً با شکوفا کردن استعدادهای ویژه انسانی و فطرت خویش در پرتو عقل و وحی به رشد و کمال انسانی خویش دست یابد.

ولی تزکیه قولی که همان خودستایی است و نمودار عجب و خودبینی و عامل

تا اینجا مهترین استعدادهای برجسته انسان و عقل و اراده که نقش اصلی و اساسی را در شکل بخشیدن به شخصیت واقعی او دارند را به طور اجمال مورد اشاره قرار دادیم و اینک باید ببینیم که اسلام برای شکوفائی و کاربرد صحیح و نتیجه بخش آنها چه دستورالعملهایی ارائه کرده است و به تعبیر دیگر تا اینجا به طور عمده بحث در مورد زمینه ها، استعدادها و امکانات موجود در انسان بود و اکنون سخن از چگونگی پرورش، بهره گیری و به ثمر رساندن آنها خواهد بود.

قبل از اینکه دستورات اسلام را در مورد شکوفائی و استفاده صحیح هر یک از این استعدادها مورد بررسی قرار دهیم به چند مطلب مهم درباره اصل مسئله تربیت می پردازیم:

## تربیت یا تزکیه؟!۱

تربیت از ماده ربو است به معنی زیاده و افزونی و تربیت به معنی رشد دادن است به طور مطلق و در مورد انسان و غیر انسان نیز به کار می رود.

در مورد زمین و رشد گیاهان:

«و تری الارض هامدة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربت»<sup>۱</sup>

و زمین را مرده بینی و آنگاه که آب بر آن فرو باریم به حرکت در می آید و نمو می کند.

و در مورد افزونی در مال و بیشتر افزونی خاصی که ناروا است:

«و ما آتیتم من ربا لیزموا فی أموال الناس فلا یزموها عند الله»<sup>۲</sup> و آنچه را به عنوان ربا می دهید تا در اموال مردم. ربا خوار. افزونی یابد، هرگز نزد خدا فرو نرود.

و در مورد رشد جسمانی و ظاهری انسان:

«و قل رب ارحمها کما ربیانی صغیراً»<sup>۳</sup>. و بگو پروردگارا همانگونه که پدر و مادرم را در کوچکی تربیت کردند، آنها را مشمول رحمت قرار ده.

پس تربیت از نظر کلی به معنی پرورش و رشد دادن استعدادها است که اختصاص به انسان ندارد و در مورد نباتات و حیوانات نیز قابل صدق است و در مورد انسان نیز اختصاص به استعدادهای معنوی انسان مانند علم و ایمان ندارد بلکه شامل هرگونه استعداد است بنابراین اگر فرض کنیم در انسانی خوی شهوت پرستی و درندگی نیز رشد داده شده آنها مصداق تربیت است. پس کاربرد کلمه تربیت بدون قید انسانی یا اسلامی در مورد رشد معنوی و تکامل انسان، دقیق و متعین نیست ولی تزکیه که در قرآن و فرهنگ اسلام در مورد پرورش و تکامل ویژه انسانی به کار رفته است تعبیری است دقیق و منطبق با این منظور و معنی ماده آن چنین است:

اصل الزکوة التو الحاصل عن برکة الله و یعتبر ذلك بالامور الدنیویة والاخریة»

(مفردات رانف)

زکات عبارت است از رشد و نموی که از برکت الهی نشأت گرفته است چه در امور دنیوی و چه در امور اخروی.



سقوط و تباهی انسان است مورد نهی قرار گرفته است:

«... فلا تزكوا انفسكم هو اعلم بمن اتقى»<sup>۸</sup>.

... پس خویشتن را ستایش نکنید که خداوند به هر کس که تقوی پیشه کند داناتر است.

ترکیه قولی که همان خودستایی ناشی از خودبینی است گذشته از خودستایی فردی، ستایش خاتوادگی، قومی، نژادی، حزبی و گروهی را نیز دربرمی گیرد و گرایش به این محورها و ستایش آنها که همه ناشی از همان حب ذات و خودبینی و خودمحوری است همگی حجاب و مانع و متضاد با تکامل و ترکیه عملی است.

### ترکیه در رأس اهداف بعثت

آیات زیادی در قرآن کریم، ترکیه را از اهداف اساسی بعثت و رسالت قلمداد کرده است که در اینجا فقط دو نمونه از آنها را متذکر می شویم.

۱- «لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين»<sup>۹</sup>.

خداوند بر مؤمنان منت گذارد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها پیامبری از جنس خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را ترکیه کند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

۲- «هو الذي بعث في الامم رسولا منهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين»<sup>۱۰</sup>.

او کسی است که در میان درس نخوانده ها رسولی از خودشان برانگیخت تا آیه اش را بر آنها بخواند و آنها را ترکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

همانگونه که ملاحظه می شود ترکیه در رأس اهداف بعثت قرار گرفته است آنها را قبل از تعلیم کتاب و حکمت با آن که علم کتاب و حکمت از نظر مرتبه مقدم بر ترکیه است ولی از آنجا که تحقق واقعی علم کتاب و حکمت بدون ترکیه امکان پذیر نیست و سیر تمام مدارج کمال متوقف بر ترکیه است، ترکیه مقدم بر علم کتاب و حکمت قرار گرفته است.

### ویژگیهای تربیت اسلامی (ترکیه)

۱- از آنجا که مبدأ تشریح و قانونگذاری در نظام تربیتی اسلام همان مبدأ تکوین و آفریدگار انسان است بنابراین نظام تشریحی اسلام دقیقاً هماهنگ با نظام تکوینی است و برنامه های تربیتی آن نیز منطبق با فطرت و در برگیرنده تمام استعداد های انسان بوده و در راستای تحقق بخشیدن هدف غائی از خلقت او تنظیم شده است.

پس نظام تربیتی اسلام یک بعدی یا ناهمگون با ویژگیهای تکوینی انسان نیست و گذشته از آن که شکوفائی تمام استعدادهای متعالی و زمینه های ویژه انسانی را در صدر برنامه خود دارد سایر غرائز مادی و جسمانی مشترک بین انسان و سایر جانداران را نیز مورد توجه کامل قرار داده و برای رشد صحیح و سالم و تعدیل آنها دقیق ترین برنامه ها را ارائه نموده است. مثلاً در مورد غریزه شهوت و غضب چنان دستورالعملهایی را مقرر داشته که گذشته از باروری آنها در جهت رفع نیازهای طبیعی برای ادامه زندگی و بقا نسل- عالی ترین صفات برجسته انسانی مانند عفت و شجاعت را نیز پدید می آورند.

پس اسلام ضمن آنکه تمام غرائز مادی و جسمانی را در جهت سلامتی و رشد صحیح سوق می دهد همه آنها را در خدمت شکوفائی معنوی و شخصیت انسانی قرار

می دهد که برنامه های گسترده و جامع اسلام را در این رابطه به مدعا مورد اشاره قرار خواهیم داد.

۲- برنامه های تربیتی اسلام، جهانشمول و برای تمام انسانها در تمام زمانها و در همه مکانها است زیرا: از طرفی اسلام ختم ادیان و پیغمبر اسلام خاتم پیامبران است. و از سوی دیگر موضوع ترکیه و تربیت اسلامی، «انسان» است و هدف آن «انسانیت» او بنابراین در چنین مکتبی، انسان و انسانیت هرگز در مرزهای فردی، گروهی، حزبی، نژادی، جغرافیائی، لغوی و... محدود و محصور نمی شود. نمونه هایی از آیات که جهانی بودن و جاودانگی اهداف اسلامی را مورد تصریح قرار داده ذیلاً مذکور می شود:

۱- قل لا اسئلكم عليه اجراً ان هو الا ذکر «للعالمين»<sup>۱۱</sup>.

بگو در برابر این (رسالت و تبلیغ) پاداشی از شما نمی طلبم. این رسالت چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست.

۲- وما ارسلناك الا رحمة «للعالمين»<sup>۱۲</sup>.

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

۳- تبارك الذي نزل القرآن على عبده ليكون «للعالمين» نذيراً<sup>۱۳</sup>.

زوال ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا جهانیان را اندوخت (و از عذاب و کفر الهی بترساند).

۴- وما ارسلناك الا «كافة للناس» بشيراً ونذيراً<sup>۱۴</sup>.

ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پادشاهی الهی بشارت دهی) و (از عذاب او) بترسانی.

۵- «انا انزلنا عليك الكتاب بالحق فمن اهتدى فلنفسه ومن ضل فانما يضل عليه»<sup>۱۵</sup>.

ما این کتاب آسمانی را برای مردم به حق بر تو نازل کردیم، هر کس هدایت را پذیرد بفتح خود او است و هر کس گمراهی را برگزیند تنها به زیان خود او خواهد بود.

۶- «فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر «الناس» عليها لا تبدل لخلق الله ذلك الدين القيم»<sup>۱۶</sup>.

رویی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش خدا نیست این است دین و آئین محکم و استوار.

۷- قل يا ايها «الناس» اني رسول الله اليكم «جميعاً»<sup>۱۷</sup>.

بگو ای مردم من فرستاده خدا بسوی همه شما هستم.

۸- ما كان محمد ابا احد من رجالكم ولكن رسول الله و«خاتم النبيين»<sup>۱۸</sup>.

محمد (ص) پدر هیچیک از مردان شما نبود ولی رسول خدا و خاتم و آخرین پیامبران است.

### ادامه دارد

- |                           |                         |
|---------------------------|-------------------------|
| ۱- سوره حج آیه ۵.         | ۱۰- سوره جمعه آیه ۲.    |
| ۲- سوره روم آیه ۳۹.       | ۱۱- سوره انعام آیه ۹۰.  |
| ۳- سوره اسراء آیه ۲۴.     | ۱۲- سوره انشاه آیه ۱۰۷. |
| ۴- سوره اعلی آیه ۱۴.      | ۱۳- سوره فرقان آیه ۱.   |
| ۵- سوره شمس آیه ۹.        | ۱۴- سوره سبأ آیه ۲۸.    |
| ۶- سوره عصر آیه ۲.        | ۱۵- سوره زمر آیه ۴۱.    |
| ۷- سوره زمر آیه ۱۵.       | ۱۶- سوره روم آیه ۳۰.    |
| ۸- سوره نجم آیه ۳۲.       | ۱۷- سوره اعراف آیه ۱۵۸. |
| ۹- سوره آل عمران آیه ۱۶۴. | ۱۸- سوره احزاب آیه ۴۰.  |